

سخن نخست: لایه‌های مغفول روایت

دکتر مهدی ابوالحسنی ترقی^۱

روایت به عنوان نقطه مشترک خاطره، سنت شفاهی و تاریخ شفاهی از سطوح و لایه‌های بسیاری برخوردار است. راهیابی به لایه‌های زیرین روایت در خاطرات شخصی و سنت شفاهی به علت گذشت زمان و در دسترس نبودن راوی یا روایان آن اندکی دشوار و سخت است؛ ولی بی‌شک، در جریان استفاده از مکانیسم تاریخ شفاهی و در صورت تعریف صحیح و دقیق اهداف طرح، شناخت دقیق فلسفه و کارکرد تاریخ شفاهی و به‌کارگیری صحیح آن، می‌توان رویه سطحی، نازک و ضعیف رویدادها و وقایع را کنار زد و نقاب از چهره واقعی حوادث برکشید.

هر نوع از روایت و راوی چند لایه واقعیت و داده را در خود نهفته دارد؛ زیرا مرجع آن، موجودی با شعور و دارای منطق، قدرت تفکر و دنیایی به نام ذهن است. پیچیدگی‌های دنیای امروز، مبتنی بر پیچیده‌تر شدن ذهن انسان و در نتیجه، درهم‌تنیدگی واقعیت‌های انباشته در آن، در طول زمان است. برخورداری از فن‌ها، مهارت‌ها و شگردهای ویژه تاریخ شفاهی یا وام‌گرفته از علوم دیگر، شفاهی‌کار را قادر می‌سازد تا سطوح سخت اما دست‌یافتنی واقعیت را بشکافد و به دیگران بنمایاند. ممکن است فرد شناگر با قراردادن پای خود درون آب، وجود و سردی و گرمی آن را حس کند ولی بدون آنکه دل به دریا بزند، نمی‌تواند از عمق، وسعت و درون آب چیزی دریابد!

در میان حوزه‌ها و عرصه‌های جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران (دفاع مقدس)، استفاده از سازوکار «تاریخ شفاهی»، باتوجه به فعالیت نهادها و سازمان‌های مختلف مانند یگان‌های رزمی سپاه و ارتش، مؤسسات علمی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران، بنیاد شهید و امور ایثارگران، پایگاه‌های مقاومت بسیج، کنگره شهدا و بسیاری مراکز فرهنگی دیگر، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. این موضوع گرچه موجب تولید

۱. دکترای تاریخ، مدرس و محقق حوزه تاریخ شفاهی؛

M.abolhasanitarqi@gmail.com

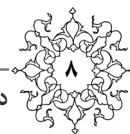


و انباشت انبوه خاطرات و روایت‌ها، انتشار کتاب و محتوای فضای مجازی شده ولی آسیب‌های بسیاری را نیز متوجه خود کرده است.

مکانیسم «تاریخ‌شفاهی» در کنار مدارک و اسناد مکتوب، می‌تواند راهکاری مؤثر برای نفوذ به لایه‌های زیرین و عمیق و حواشی پیرامون رویدادهای نظامی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۶۷ باشد. در همین راستا، نهادهای نظامی و غیرنظامی هر کدام با اهداف و سیاست‌های سازمان خویش، با استفاده از روش تاریخ‌شفاهی به بازروایی و بازبینی ابعاد مختلف دوران دفاع مقدس از منظر عاملان آن در بخش‌های گوناگون پرداخته‌اند. داده‌های مربوط به این سطح با وجود خطاها و اشتباهات فراوان، می‌تواند تکه‌ای هرچند کوچک و نامحسوس از جورچین حوادث مربوط به جنگ را به دست دهد.

با نگاهی به حجم عظیم خاطرات و گفت‌وگوهای صورت‌گرفته با جامعه ایثارگران می‌توان دریافت که فقط در نخستین رویه روایی جنگ، حکایت دوران انقلاب، جنگ و حضور فرد راوی در آن رویداد تاریخی مدنظر قرار گرفته است. بخش عمده‌ای از افراد علاقه‌مند به مقوله تاریخ دفاع مقدس، به همین سطح از روایت بسنده کرده، متوجه دیگر سطوح و لایه‌های آن نشده‌اند. به‌نظر می‌رسد در میان جامعه ایثارگران، جانبازان به‌ویژه با ازکارافتادگی بالای هفتاد درصد، به علت تداوم و استمرار جراحات، مصدومیت‌ها و آسیب‌های ناشی از جنگ و تنگ‌بودن عرصه زندگی بر ایشان، از دایره روایت تاریخی دفاع مقدس بیرون مانده‌اند. گرچه ممکن است در هر منطقه جغرافیایی از ایران اسلامی، جانبازان با درصد از کارافتادگی بالا، از نظر تعداد در اقلیت باشند ولی روایت آن‌ها، تفاوت ماهوی با روایت دیگر رزمندگان و ایثارگران دارد. افزون بر ماهیت چندگانه هر روایت، روایت این گروه از راویان خود از چندلایگی ویژه‌ای برخوردار است و در ارتباط شبکه‌ای با روایت‌های مغفول دیگر قرار دارد و مراجع دیگر را به صدا در خواهد آورد؛ به‌همین علت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

چندلایه بودن روایت این گروه از جانبازان، به نوع و شدت جراحات و صدمات، طول مدت مجروحیت، شیوه زندگی، طبقه اجتماعی، افراد و نهادهای مرتبط و بسیاری عوامل دیگر بستگی دارد. بر همین اساس، بازگویی ایشان از یک واقعه یا رویداد مشترک نیز متأثر از این وضعیت است. اگر از وجه مشترک تمامی روایت‌های ایثارگران یعنی نحوه ورود به جنگ، مدت حضور و نقش و جایگاه راوی در جبهه‌های نبرد (رویه قابل مشاهده و مبرهن) عبور کنیم، می‌توانیم به لایه‌های بعدی وارد شویم. در مورد جانبازان با درصد از کارافتادگی بالا، دومین لایه از روایت، به دوران درمان، انتقال از میدان نبرد تا بستری شدن و بهبودی اختصاص دارد. این سطح از روایت، واقعیت‌هایی ناگفته از میدان رزم، امداد و درمان درون و پشت جبهه، شبکه بهداشت و درمان کشور در طول آن سال‌ها، وضعیت و کیفیت انواع درمان، امکانات و تجهیزات پزشکی و ... را به



محققان ارائه می‌کند.

سومین لایه روایت جانبازان، می‌تواند فضای اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه روستایی، عشایری و شهری ایران و روند تغییر و تحول آن در برخورد با فرد جانباز را به نمایش بگذارد. در این سطح از روایت، مسائل و موضوعات متنوع (واقعیت‌های تکان‌دهنده) از تعامل خانواده و مردم با فرد جانباز، زندگی شخصی و مشکلات آن، جایگاه اجتماعی جانباز در جامعه دیروز و امروز و مشکلات درمان جانباز در گذشته و حال و حتی ویژگی‌های اخلاقی، رفتاری و روان‌شناختی راوی مشخص و آشکار می‌شود.

در این مرحله، لزوم شبکه‌ای عمل کردن شفاهی کار، پای راویان و مراجع مغفول دیگر همانند والدین، همسر، فرزندان، هم‌زمان، هم‌دردان و مسئولان را به تحقیق باز می‌کند؛ زیرا جنگ به همان دوران و میدان‌های نبرد و رویارویی با دشمن خلاصه نمی‌شود، بلکه سرنوشت و وضعیت کنونی تمام افراد و اقشار جامعه به آن گره خورده است. در این صورت است که سوژه موسوم به «دفاع مقدس» معنا و مفهوم واقعی خود را یافته، ابعاد و جوانب مختلف آن بازکاوی می‌شود. از آنجایی که مکانیسم تاریخ شفاهی با فلسفه و ماهیت شناختی خود، قدرت بازبایی هر رویداد و تجربه تاریخی را دارد، اکتفا کردن به رویه وقایع، اطلاعات و داده‌ها، فرصت‌سوزی و اشتباهی جبران‌ناپذیر است. بنابراین مقوله تاریخ شفاهی هنگامی به‌طور کامل تحقق می‌یابد که شفاهی کار با شناخت لازم از شخصیت راوی، در طراحی بسته‌های پرسشی و ساماندهی و هدایت جریان مصاحبه، سطوح مختلف و مرتبط با روایت و موضوع را مدنظر قرار دهد.

